



گفت و گو با فرزاد فتاحی  
خواننده تیتراژ پایانی کوله پستی

## دوست دارم باشفיעی جم چای بخورم!

اتاق کم نور و نامرتب، وسایل به هم ریخته، برگه های نت روی میز کار، ترانه های خط خلی شده و روی زمین افتاده، کاغذ دیواری ای از شانه های رنگی تخم مرغ، غذای نیم خورده و مانده از روز قبل، ساز، رایانه و غیره و غیره. تلفیق کار و زندگی در این فضا برای چه کسی قابل تحمل است؟! این تصویری از زندگی یک شخصیت ساختگی روی پرده سینما نیست. باور ندارید، سرزده به منزل و با حفظ موقعیت (۱) همان محل کار فرزاد فتاحی بروید.

فرزاد فتاحی را به جا نیاوردید؟ خدا حافظی ترانه تیتراژ پایانی «کوله پستی». او خواننده ترانه ای است که اجازه نمی داد پس از خدا حافظی مجری کوله پستی کانال را عوض کنیم. درباره توصیف فضای اتاق او هم زیاد سخت نگیرید. ما ساعت ۱۰/۵ صبح برای گفت و گو به خانه اش رفتیم و به قول خودش: «صبح زود بیدار شدم و اتاق کار و پذیرایی را مرتب کردم. اما هنوز به این اتاق نرسیده بودم»

🎵 **ورود شما به کار خوانندگی با «خداحافظی» شروع شد؟**

بله. البته قرار بود تیتراژ برنامه‌ای به نام «بدون حاشیه» را کار کنم که نشد. این برنامه برای گروه اقتصاد شبکه یک تهیه می‌شد و مرتضی حیدری مجری آن بود. به هر حال آن برنامه پخش نشد و ترانه خداحافظی در «کوله‌پشتی» اولین کار خوانندگی‌ام محسوب می‌شود.

🎵 **ظاهراً این تیتراژ برای برنامه «به رنگ شب» ساخته شده بود؟**

راستش این کار یک ماکت و تست بود. یک روز مهدی مدرس ملودی را برایم خواند، من هم یک دور خواندم. بعد احسان علیخانی شنید و خوشش آمد و گفت که برای برنامه «به رنگ شب» این ترانه را می‌خواهد. این برنامه هم اما به دلایلی ساخته نشد.

🎵 **ترانه‌سرا و آهنگ‌ساز این کار چه کسانی هستند؟**

فرید احمدی ترانه‌سرا و اسدالله کلانتری آهنگ‌ساز تیتراژ خداحافظی هستند. کار تنظیم هم بر عهده خودم بود.

🎵 **اتفاقی که معمولاً برای تمام تیتراژها می‌افتد، مشکل کمبود زمان است. شما برای این کار مشکلی نداشتید؟**

مشکل خاصی نبود. تبدیل ماکت اولیه به کاری که می‌شنوید، سه - چهار روز زمان لازم داشت. البته ملودی کار قدیمی است و کمی تغییرش دادیم.

🎵 **واژه خداحافظی چه چیزی را در ذهن‌تان تداعی می‌کند؟**

جدا شدن آدم از کسی که دوستش دارد. به نظرم خداحافظی واژه غم‌انگیزی است.

🎵 **استقبال مردم از این ترانه چه‌طور بود؟**

فکر می‌کنم مردم «خداحافظی» را دوست دارند.

🎵 **علاقه شما در کار موسیقی بیش تر به آهنگ‌سازی است یا خوانندگی؟**

از اول هم آهنگ‌سازی را بیش تر دوست داشتم. بچه‌ها گفتند بیا بخوان؛ خوابم می‌آمد و برای این که حرفی زده باشم، گفتم: باشه! امی خندد! این را برای شوخی گفتم. اما تجربه خوبی بود. ولی تنظیم را بیش تر دوست دارم. البته ترانه هم می‌گویم.

🎵 **اصلاً چه‌طور شد که به موسیقی علاقه‌مند شدید؟**

بچه که بودم، مدتی در آلمان زندگی می‌کردیم. یک بار با مادرم به اسباب‌بازی‌فروشی رفتم. فکر می‌کنم چهار - پنج سال داشتم. چشمم به یک کیبورد افتاد و از مادرم خواستم آن را برایم بخرد. بعد با همان کیبورد شروع کردم و یک چیزهایی می‌زدم. یکی از دوستان پدرم که کیبورد می‌زد، کار را به من یاد داد.

🎵 **و بعد چه اتفاقی افتاد؟**

من کارهای بابک بیات را دوست داشتم. یعنی هر چه تنظیم بلد، از استاد بیات یاد گرفته‌ام. من حتی از استاد کیبوردی هم

می‌کردم. بعد تئوری را یاد گرفتم. اما اولین آهنگی که خواندم، پانزده - شانزده سالم بود که تیتراژ یک برنامه رادیویی به نام «تهران در شب» را که سه‌شنبه‌ها از شبکه تهران پخش می‌شد، خواندم. مجری برنامه، آقای حمید عاملی و سردبیر برنامه هم ایرج شبستری بود. خلاصه با آن صدای دورگه و زشت، خواندم و چند بار هم پخش شد. ولی بعد تصمیم گرفتم که دیگر نخوانم.

🎵 **چه‌طور ۱۶ سالگی خواننده شدید؟**

سردبیر برنامه، دبیر تربیتی ما بود. من هم چون سرود کار می‌کردم، آقای شبستری گفتند بیا رادیو بخوان. بعد سال ۷۴ - ۷۵ عضو گروه کر در مرکز تهران‌شناسی شدم. آن جا بود که خیلی چیزها، به‌ویژه تکنیک خوانندگی را یاد گرفتم.

🎵 **ساز تخصصی‌تان چیست؟**

پیانو. **چه نظری دارید درباره موسیقی حال حاضر ایران و خواننده‌های جوانی که روز به روز به تعدادشان افزوده می‌شود؟**

به نظر من همه نوع موسیقی باید باشد؛ این در تمام دنیا هست. چون مردم حق انتخاب پیدا می‌کنند و فرق کار خوب و بد را متوجه می‌شوند.

🎵 **سطح سلیقه مردم پایین نمی‌آید؟**

نه، چون فکر می‌کنم برای هر مخاطبی، موسیقی باید وجود داشته باشد. من خودم هم‌نوع موسیقی گوش می‌کنم؛ چه خوب و چه بد، تا بفهمم علت خوب و بدش چیست.

🎵 **شما که دستی در موسیقی دارید، این**



شما وقتی برای خرید کفش وارد مغازه می‌شوید، فروشنده چند مدل کفش به شما نشان می‌دهد. چون ممکن است کسی کفش ارزان بخواهد، یا یکی گران؛ دیگری مارک‌دار برایش مهم است و... موسیقی هم همین است. باید برای هر سلیقه‌ای موسیقی موجود باشد. البته شاید مثال بدی زدم؛ فقط خواستم متوجه بشوید

**حرف را می‌زنید. مردم که برای مقایسه، آلبوم نمی‌خرند!**

مثالی برای‌تان می‌زنم. شما وقتی برای خرید کفش وارد مغازه می‌شوید، فروشنده چند مدل کفش به شما نشان می‌دهد. چون ممکن است کسی کفش ارزان بخواهد، یا یکی گران؛ دیگری مارک‌دار برایش مهم است و... موسیقی هم همین است. باید برای هر سلیقه‌ای موسیقی موجود باشد. البته شاید مثال بدی زدم؛ فقط خواستم متوجه بشوید.

🎵 **موسیقی کدام کار جدید برای‌تان جذاب بود؟**

بین کارهای جدید که هیچ، اما موسیقی «دست‌های آلوده» را خیلی دوست داشتم. این یکی از کارهای استاد بیات بود. روحشان شاد.

🎵 **به موسیقی متن فیلم هم فکر می‌کنید.**

بله، دوست دارم موسیقی متن فیلم‌های پلیسی و یا ترسناک را کار کنم.

🎵 **دوست داشتید تیتراژ «چارخونه» را بخوانید؟**

نه، چون می‌دانم که نمی‌توانستم خوب بخوانم. اما دوست داشتم یا شفیع‌ی جم پنشینم و چای بخورم.

🎵 **در «کوله‌پشتی»‌تان چه چیزهایی دارید؟**

یک مقدار CD و لوازم شنا. چرا این را پرسیدید!؟

🎵 **فقط به خاطر این که تیتراژ «کوله‌پشتی» را خوانده‌اید. بگذریم. از برنامه‌های بعدی‌تان بگویید.**

شاید برای «جشن رمضان» شبکه دو موسیقی کار کنم. شاید هم برای برنامه «جز و مد» احسان علیخانی کار کنم. فعلاً در حد حرف است و هیچ چیز مشخص نیست.

🎵 **باز هم می‌خوانید؟**

گفتم که هنوز در حد حرف است. نمی‌دانم، شاید باز هم خواندم.